

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۹ جون ۲۰۱۵

مجلس بیست و پنجم (درکناره گیری از دنیا)

روز نوزدهم ماه ذی الحجة سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) چنین فرمودند:

از حضرت عیسی علیه السلام روایت می کنند، هرگاه بوی مطبوعی استشمام می کرد، جلو بینی خود را می گرفت و می گفت این از دنیا است.

ای مدعیان دروغین که زهد را فقط در قول و گفتار داری! به ظاهر لباس زهد و تقوا در بر کرده، ولی اندرونتان مملو از رغبت و حسرت دنیا است. چنانچه این لباس ریا از تن بدر آورید، و رغبت و علاقه دنیا را که در دل دارید بدر کنید، آنگاه دنیا دوستدار و طالب شما می گردد. زاهد صادق را روزی مقسوم فرامی رسد، و او از آن بهره می گیرد، اما در هر حال قلباً علاقه ای به دنیا ندارد و کاملاً در زهد خود پایدار است. بدین علت پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) که زاهد تراز عیسی علیه السلام و سایر انبیاء کرام بوده است، فرموده: «حُبَّ اِلٰهِيٍّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: اَلطَّيِّبُ، اَلنَّسَاءُ، وَجُعِلَتْ قَرَّةُ عَيْتِي فِي الصَّلَاةِ» - (برای من از دنیا سه چیز دوست داشتنی شد، بوی خوش، صحبت با زنان، و نور دیدگانم که در نماز قرار داده شده است). با علم ازلی حق اینها برایش مقرر گردیده، باین که کاملاً از آنها پرهیز می کرد، اما طبق خواست خدا نسبت بدانها تمایل نشان می داد. زیرا امتثال امر حق به هر صورت طاعت و عبادت است، لذا هر کس بدین طریق از قسمتهای خود بهره ور شود مرتکب خطائی نشده، گرچه به لباس دنیا هم در آید.

ای زاهدان نادان! بشنوید و قصد کنید و تکذیب ننمائید، در پی پرورش و آموزش خویش باشید تا از جهل خودرهای یابید، زیرا جاهل صرفاً برای خود عمل می کند و هوای نفس و شیطان را رهبر خود می سازد.

ای منافقین نادان! دلهایتان چه اندازه ستمگراست؟! بوی شما چه اندازه ناخوشایند است! زبان آوریهایتان چه مقدار زیاد است! از گفتار و کردار و پندار خویش توبه کنید. طعن و ایراد به خدا و اولیاء الله را که خدا آنان را دوست دارد و آنان نیز محبان خدایند، ترک نمائید. از این که آنان از قسمتهای خود استفاده می کنند ایراد نگیرید، که آنان به امر حق عمل می کنند، نه از روی هوای نفس و شهوت. دلهای آنان مملو از مهر حق است و بیزار از دنیا. به ظاهر و باطن از دنیا اعراض می کنند، اما دارای بهره هائی از دنیا نیز هستند و این بدین خاطر است که علم ازلی خداوند بر آن قرار گرفته است، لذا از توجه و عنایت به آن ناچارند. دشوارترین مسأله در نظر ایشان، توجه به دنیا و ماندن در آن، و دیدار دروغگویان دنیا است، که خدا و هر کسی دیگری را تکذیب می کنند.

(یا غلام) مادامی که بانفس و هوای همدمی از گفتار درباره دیگران خودداری کن.

ترک کلام کن، چون خدای تبارک و تعالی اگر اراده کند ترا به جائی برساند، آماده ات می سازد. اگر بخواهد شایسته و پایداریت می کند، اوست که هر کاری را سهل کرده و به منصفه ظهور می رساند، نه تو. تمام گفتار و احوال خود را تسلیم خواست حق نما و به عمل پرداز. اما عمل بدون گفتار، اخلاص بدون ریاء، توحید بدون شرک، گمنامی بدون شهرت، تنهایی بدون آشکار، و باطن بدون ظاهر. باطناً و از روی نیت قلبی به ذکر خدای مشغول باش، تو که خدارا اینگونه خطاب می کنی: «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**»- (تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری می طلبم). به واقع کسی را که حاضر است مورد خطاب قرار می دهی و می گوئی: ای کسی که در نزد من حاضری، ای کسی که نزدیکی و آگاه از حال من، ترا می پرستم و فقط و فقط از تو استعانت می جویم. آری خدا را در نماز اینگونه مخاطب می سازی!! با توجه به این امر پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: «**أَعْبُدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَأَنَّكَ يَرَاكَ**»- (خدای را بپرست بگونه ای که انگار او را می بینی، اگر تو قادر به دیدن او نیستی، او ترا می بیند).

تصوف از صفا مشتق است. ای کسی که لباس پشمینه پوشیده ای، بدان که صوفی صادق کسی است که قلبش از غیر خدا زدوده شده باشد، و این چیزی است که با خرقة پاره و روی زرد گردانیدن، و نشانه ها را جمع کردن و زبان رابه لکنت انداختن، و از صلحاء حکایت بازگنمودن، و انگشتان را به علامت تسبیح و تهلیل تکان دادن میسر نمی شود. بلکه با صدق و راستی در طلب حق عزوجل، و زهد از دنیا، و اخراج خلق از دل، و دوری از غیر خداممکن می گردد. یکی از بزرگان درود خدا بر او باد، گفته است: که شبی با خود می گفتم، بار خدایا از آنچه برایم سودمند است و به تو زیان نمی رساند و مرامن مکن، و این را مرتب تکرار می کردم تا به خواب رفتم، در خواب دیدم که کسی به من می گفت: تو نیز از عملی که برایم سودمند است کوتاهی مکن، من نیز از آنچه به تو زیان رساند جلوگیری می کنم. نسبت و پیوستگی خود را با پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) ثابت کنی، البته اثبات آن صرفاً با پیروی و تبعیت از او امر او امکان پذیر است. تنها گفتن این که من از امت اویم، کوچکترین سودی برایم در پی نخواهد داشت. هرگاه از گفتار و رفتار او، خالصانه پیروی کردی، در آخرت در حضورش خواهی بود. آیا قول خدای تبارک و تعالی را نشنیده ای که فرموده است: «**وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**»- (آنچه را که رسول به شما اعطا کرده است بگیرید، و از آنچه بازتان می دارد خودداری کنید. سوره حشر آیت ۷). آنچه به شما امر کرده اجراء کنید، و از آنچه منع فرموده خودداری نمائید.

شمارد دنیا با قولبتان و در آخرت با تمامی وجود و جسمتان، قادرید بخداوند نزدیک شوید. ای زاهدان تا وقتی که زهد شما همراه نفس و استبداد رأی باشد، پسندیده نیست. بیانید از بزرگان شناسا به ذات خدا و علمای عاملی که خلق الله را با زبان نصیحت و خیر خواهی، و به دور از اعراض مادی راهنمایی می کنند، پیروی نمائید، کسانی که از دنیا اعراض می کنند و به خدا روی می آورند، شایستگی تبعیت و پیروی را دارند.

(یا غلام) پیش از آن که فرصت از دست برود به خدا برگرد. تو تنها به سخن گفتن درباره صلحاء و از آنان تمنی و درخواست کردن، اکتفاء کرده ای، لذا به مانند کسی هستی که با کفهای بازمی خواهد آب بردارد، مسلماً چیزی به دست نمی آورد. وای بر تو! تمنی و درخواست وادی احمقی است، رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: «**إِيَّاكُمْ وَالتَّمَنَّى فَإِنَّهُ وَادِي الْحُمَّى**»- (از تمنی و خواهش بی جا بپرهیزید، چون آن وادی نادان نیست).

تو اعمال اهل شررا انجام می دهی و درجات اهل خیر را آرزو می کنی. هر کس امیدش بر خوفش غلبه کرده به کفر و زندقه دچار می شود، و هر کس خوفش بر امیدش چیره شد، گرفتار نومیدی می شود. بدان که سلامت در اعتدال آنهاست. پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: «**لَوْ وَزِنَ خَوْفُ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَجَاءِهِ لَأَعْتَدِلَا**»- (اگر خوف و رجای مؤمن سنجیده شود، هر دو با هم برابرند).

یکی از بزرگان رحمت خدا بر او باد، فرمود: سُفیان ثوری (رحمة الله علیه) را بس از مرگ به خواب دیدم، بدو گفتم خدای عزوجل باتوجه معامله کرد؟ گفت، یکپای برصراط گذاشتم و پای دیگر در جنت. درود خدا بر او باد. اوفقیه، زاهد، وارع و عالم عامل بود، که حق علم را باعمل بدان، و حق عمل را باخلاص اداء می کرد، و خدایش نیز پاداش او را عطا فرمود. و پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نیز رضایت خود را به علت متابعتش بدو اعلام فرمود. درود خدا بر او و بر ما و بر تمام صالحین باد.

هر کس از رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) پیروی نکرد و کتاب خدا را در یک دست و سنت رسولش را در دست دیگر نگرفت، و به راه حق رهسپار نگردد، هم خود هلاک شده و هم دیگران را هلاک می کند، هم خود گمراه گردیده و هم موجب گمراهی دیگران خواهد شد. چون کتاب و سنت همانا دو راهنمای حقیقی به سوی الله جل و اعلا می باشند. قرآن به خدایت راهنمایی می کند و، سنت به رسالت می رساند.

بار خدایا هوای نفس را از ما دور کن.

«أَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». آمین